

دانشجویان از نهاد رهبری میپرسند:

چرا به ترک زبان ها اهانت می کنند و موجب رنجش آنان می شوند؟

پرسشهای دانشجویان در باره مسائل ترکهای ایران و قومیتها و پاسخهای داده شده از سوی نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاهها.

پرسشها و پاسخهای زیر که به مسائلی درباره قومیت، نژاد، تنوع و تکرر قومی و چند فرهنگی و غیره در ایران مربوط میشوند، به جهت آشنایی با ذهنیت، نحوه تفکر و طرز نگرش برخی از دانشجویان و نهاد رهبری در دانشگاهها با موضوعات فوق و مسائل کلان جامعه، آورده میشوند. در پس برخی از پاسخها، جوابیه ای از سوی نگارنده این سطور افزوده شده است.

اسدالله خلخالی

۲۰۰۲

سوال و جوابها برگرفته شده از سایت اینترنتی

<http://www.nahad.net/Introduction/introd.HTM>

سؤال اول دانشجویان:

چرا ما آذربایجانیها از ابتدایی ترین حقوق (زبان و فرهنگ، مطبوعات و ...) محرومیم؟

جواب نهاد نمایندگی:

در اندیشه واقع بینانه اسلام هیچ فرقی بین انسان ها وجود ندارد و برتری و بزرگی فقط با تقوا پیشگان است. پس سزاوار است که در تمام جوامع - بخصوص در جامعه اسلامی خودمان - صحبت از اختلاف و فرق بین اقوام به میان آورده نشود و برعکس باید مشترکات فرهنگی و دینی مورد توجه قرار گیرد.

به هر صورت نامه شما حاوی نکاتی چند است که ما با برخی از موارد آن موافقیم و با برخی نه. ما با دوران پیش از انقلاب کاری نداریم ولی بعد از انقلاب اسلامی ایران شاهد برادری و برابری بین آذری زبان ها و فارس زبان ها هستیم.

همان طور که می دانیم بسیاری از مسوولین و مقامات رده بالای کشور؛ از نخست وزیر گرفته تا وزرا استانداران فرمانداران مسوولین قضایی و ... از برادران آذری زبان بوده و هستند و الان نیز شاهد این رویه هستیم ؛ بخصوص این که مقام معظم رهبری حضرت آیت الله خامنه ای منتسب به دیار شهید پرور آذربایجان هستند. هم اینک اساتید زیادی در دانشگاه ها و حوزه های علمیه وجود دارند که آذری تبار بوده و به نحو شایسته و اکمل دانش خود را در جامعه ما گسسترانده اند؛ مانند علامه محمد تقی جعفری، جعفر سبحانی و ... همچنین کتاب ها و تحقیقات فراوانی توسط نویسندگان و ادیبان آذری نگاشته و منتشر گردیده است. بازیگران و کارگردان های خوبی در صحنه سینما و تلویزیون وجود دارند و ... حتی زمانی که در حوزه علمیه قم برای مرجعیت تصمیم گیری می شود می بینیم از هفت نفر مرجع انتخاب و معرفی شده چهار نفر آنان (حضرات آیات: خامنه ای تبریزی، فاضل لنکرانی و شبیری زنجانی) مربوط به این خطه از کشور عزیزمان هستند .

در رابطه با مساله فرهنگ و ادب الان کتاب ها و نشریات گوناگونی به زبان آذری چاپ و منتشر می شود؛ مانند: یول، وارلیق، میثاق آذربایجان، نامه فروغ آزادی، دیوان فضولی، حدیقه السعدا، آذربایجان ادبیاتینه بیر باخیش (هییت)، دیوان شهریار، سحاب الدموع، ادبیات اوجاقی و ... و صدها کتاب نوحه و مصیبت نامه آذری.

همچنین بعد از انقلاب شاهد بر پای کنگره های بزرگداشت و نکوداشت برای بزرگان این دیار همانند: علامه محمد تقی جعفری، علامه طباطبایی، فضولی، شهریار، سرداران شهید آذربایجان و ... بوده و هستیم.

پس می توان نتیجه گرفت که در این زمینه ها شاهد پیشرفت های چشمگیری می باشیم و در واقع هیچ تفاوتی بین ترک و فارس گذاشته نمی شود. اما با برخی از گفته های جناب عالی موافقیم؛ مانند اینکه در مقطعی از دوران تحصیلی باید ادبیات و فرهنگ آذربایجان و زبان ترکی گنجانده شود و برادران و خواهران آذری حداقل بتوانند نوشته های ترکی را بخوانند یا بنویسند.

همچنین در صدا و سیما باید دقت و تلاش بکنند که در فیلم ها و برنامه های رادیویی و تلویزیونی رایحه قوم گرایی و ... به مشام نرسد و احترام تمام اقوام بخصوص وفادارترین آنها به ایران اسلامی (آذری ها) نگه داشته شود. در این زمینه شما و دیگر عزیزان آذری می توانید اعتراض خود را در نشریات مطرح کنید و یا کتبا و مستقیماً به مسوولین صدا و سیما ارسال دارید که آنها نیز در برنامه های خود تجدید نظر کرده و از پخش برنامه های اختلاف برانگیز و توهین کننده جلوگیری و پرهیز کنند.

در آخر ذکر این نکته خالی از لطف نیست که دشمنان این مرز و بوم برای از بین بردن اقتدار و وحدت مردم و دولت دست به تفرقه افکنی و انواع توطیه ها زده اند که از جمله آنها طرح مسایلی چون پان ترکیسم، پان عربیسم، پان کردیسم و ... می باشد. البته با وجود افراد فرهیخته و آگاه در کل این سرزمین مقدس توطیه شوم این افراد نقش بر آب شده و ایرانیان همه با اتحاد و سربلندی به زندگی خود ادامه خواهند داد.

توضیحات:

همانگونه که در پاسخ آمده، در مقایسه با دوره رژیم نژادپرست پهلوی در مورد اعاده حقوق معوقه ترکهای ایران و تغییر ذهنیتها، هم در سطح جامعه و هم در سطح حاکمیت، پیشرفتهایی حاصل شده است (انجام پرسش و پاسخ فعلی نیز نشانه ای از این دگرگونی مثبت است). با اینهمه حضور ترکهای ایران در عرصه های گوناگون حاکمیت، سیاست، فرهنگ، اقتصاد و غیره بخشی به این سبب است که ترکهای ایران از عناصر اصلی سازنده هویت، فرهنگ، تاریخ، قوام و ثبات ایران هستند و اکثریت نسبی جمعیت کشور را تشکیل میدهند. این حضور، واقعیت اجتماعی - جمعیتی کشور ایران است.

علاوه بر آن، حضور مادی-فیزیکی هرگز نشانه برابری حقوقی و معنوی ترکهای ایران با فارسها نیست. زیرا که مضمون و مصداق برابری، متساوی بودن در مقابل قانون، دولت و سیستم حقوقی، برخوردار شدن عملی از حقوق

و امتیازات ویژه ای است که ملت فارس در عرصه های آموزشی، قانونی، فرهنگی، سیاسی، اداری و اقتصادی از آن برخوردار می باشد و همچنین نبود تبعیضات در این عرصه ها است.

چاپ چند کتاب و جزوه به زبان ترکی آن هم از سوی افراد علاقه مند و مراکز غیر دولتی، منحصر به شعر و ادبیات مذهبی و مصیبت نامه-در مقایسه با چاپ صدها هزار کتاب و نشریه و پخش برنامه های درون مرزی و برون مرزی رادیو تلویزیونی فارسی از سوی مراکز و نهادهای دولتی، آنهم در تمام زمینه های علمی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی و ادبی- دلیل برخورداری این زبان، فرهنگ و قوم از امکانات برابر با زبان فارسی و برخورد یکسان و بیطرفانه دولت به این دو قوم و زبان نمی باشد. همچنین حضور ترکهای ایران در این عرصه ها به هیچ وجه مجوز و یا سبب محروم گردانیدن اکثریت مردم ایران از حقوق قومی و بشریشان نیز نمی تواند باشد.

بارزترین نمونه نابرابری و تبعیض موجود در این عرصه، رسمی و دولتی شمرده شدن منحصر زبان فارسی، حمایت همه جانبه دولت از گسترش این زبان در داخل و خارج کشور، تاسیس فرهنگستان زبان فارسی و بنیادهای گسترش زبان فارسی (بدون تاسیس فرهنگستان زبان ترکی و بنیادهای گسترش زبان ترکی)، جایگزین کردن اجباری آن در داخل ایران، به راه انداختن برنامه های "پارسی را پاس بداریم" (در حالیکه از برنامه های "ترکی را پاس بداریم" خبری نیست) و به موازات آن محرومیت ترکهای ایران (مانند دیگر اقوام غیرفارس) از آموختن زبان، ادبیات، فرهنگ و تاریخ خویش و به جای آن وادار شدن نونهالان و کودکان و جوانان و بزرگسالان و زنان و عشایر ترک به آموختن زبان، فرهنگ، ادبیات و تاریخ عموماً خیالی ملت فارس و آریائزاد محور، محرومیت از کاربرد زبان ملی-مادری خود در سیستم آموزشی، اداری، قانونگذاری و حقوقی، و در نهایت اعلام زبان خلق فارس به عنوان رمز هویت ملی ایرانیان و ایجاد تناظر بین فارس بودن و ایرانیت و حتی تشیع است. با این اقدامات و تدابیر، دولت ایران از یک دولت فراملی یعنی دولت تمام اقوام و ملل باشنده در ایران، خارج و تبدیل به دولت ملی قوم فارس شده است.

ادبیات ترکی در این سرزمین به وضعیتی دچار شده که امروز در زادگاه شاعرانی مانند ختایی و صائب بجز افراد انگشت شماری شاید کسانی یافت نشوند که بتوانند توانایی روخوانی اشعار ترکی آنها را داشته باشند. این در حالی است که دولت ایران به جای نگرانی و اهتمام به امر تعلم و تعلم در زبانهای اقوام ایرانی به ایشان، سالانه دهها هزار جلد کتاب فارسی از بیت المال مردم چاپ و به کشورهای افغانستان و تاجیکستان ارسال می دارد. با منطق فوق لابد میبایست دولت و حکومت ایران امر آموزش و پرورش ترکهای ایران را نیز به دولت آذربایجان و یا ترکیه محول نماید.

خود زبان ترکی نیز در نتیجه اقدامات و تعلل دولت و نگرش امنیتی به زبان و فرهنگ و حقوق بشری ترکهای ایران، به سرعت در آستانه نابودی قرار گرفته است. امروزه تنها شمار نسل اول و دوم و سوم ترکهای ایران که قادر به تکلم به زبان ترکی نیستند، از مرز 6-7 میلیون تن نیز گذشته است. تمام مشاهدات و گزارشات حاکی از به تحلیل رفتن سریع زبان و فرهنگ ترکی در ایران است. این، یک اثتنوسید واقعی است که در ایران جریان دارد

و نتیجه مستقیم به حاشیه راندن و انکار زبان و فرهنگ ترکی از طرفی و در معرض بمباران زبان و فرهنگ فارسی قراردادن مردم ایران از طرف دیگر و وضعیتی صد درصد مصنوعی، غیر طبیعی، دولت ساخته و جبری است.

کار دولت در این رابطه بررسی وضعیت اسفناک موجود زبان و ادبیات گروههای غیرفارس کشور، آنچه که عملاً و به طور عینی و واقعی اتفاق میافتد، ترک سیاست زبانی رسمی فارس مرکزی فعلی که میراث دخالت بیگانه، عمال اجنبی و استعمار انگلیس در ایران است، اتخاذ موضع بیطرفانه در مقابل زبانهای رایج در ایران و اندیشیدن تدابیری عاجل (مانند تهیه کتب درسی و تربیت کادر آموزشی برای آغاز آموزش به زبان ترکی، از مهد کودکیها تا عالیترین سطوح دانشگاهی، ایجاد مراکز و فرهنگستانهای زبان، ادب، تاریخ و فرهنگ ترکی، گشایش کانالهای رادیو تلویزیونی سراسری به زبان ترکی آذربایجانی) است و نه اظهار نظرهای ذهنی و گفتارهای مجرد و وقت کشی در این مورد.

و در نهایت دولت جمهوری اسلامی میبایست صریحاً اعلام نماید که برای جلوگیری از فاجعه نابودی زبانها و گروههای قومی ایران و بویژه ترکی، چه تدابیری اندیشیده است و برای اعطای حقوق برابر به زبان ترکی و اجرای اصول اسلامی تساوی زبانها و اقوام مسلمان و پایان دادن به شعوبیت فارسی حاکم منتظر چه چیزی است.

سؤال دوم دانشجویان:

چرا مردم به ترک زبان ها اهانت می کنند و موجب رنجش آنان می شوند؟

جواب نهاد نمایندگی:

از این که به خاطر عادات غلط در رفتار اجتماعی برخی مردم ناراحت شده اید متاثر شدیم. برادر عزیز! بدگویی های اقوام مختلف از یکدیگر علاوه بر آن که کاری نامشروع و خلاف اخلاق است، از نقشه های استعمارگران برای ایجاد اختلاف بین مردم است. امید است با روشنگری افرادی چون شما این عادات از بین مردم رخت بریندد.

شما نیز از این بابت چندان نگران نباشید، چرا که ترک یا لر یا فارس هیچ تفاوتی با هم ندارد. همه بندگان خداوند در برابر او یکسانند.

امید است صدا و سیما و دیگر رسانه ها با اتخاذ شیوه های خردمندانه در رفع این عادات و رسوبات غلط رژیم ستم شاهی کوشا باشند. همه مردم بندگان خداوند هستند و به فرموده پیامبر اکرم (ص) همانند دانه های شانه با هم برابرند. علاوه بر آن که بسیاری از مشاهیر و بزرگان علم و سیاست و ادب که از افتخارات ایران و جهان هستند، ترک زبانند. رهبر انقلاب خود اصالتاً ترک زبانند. دانشمندانی بزرگ چون شهریار و علامه محمدتقی جعفری و صدها نمونه از این قبیل افتخاری برای همه ما و شما هستند.

بنابراین شما از ترک زبان بودن برخورد بیالید و هرگز تحت تاثیر سخنان نسنجیده افراد بی فرهنگ قرار نگیرید.

توضیحات:

هرچند رفتارها و سیاستهای مذموم فوق ریشه در تربیت اجتماعی دارد ولی در ایران هیچگاه بین اقوام و زبانها و فرهنگهایشان اصطکاک و تنش و در نتیجه رنجشی که باعث تجزیه قومی مردم کشور شود، وجود نداشته است. مطلب نه برابری ترک و فارس و لر در برابر خداوند، حتی نه مناسبات این گروهها با یکدیگر بلکه عدم برابری، تبعیض اعمال شونده مابین این گروهها و برتر شمردن زبان و فرهنگ یکی از اقوام ایرانی یعنی فارسها بر دیگران از سوی دولت است.

مشکل عمده و عاجل فعلی نقش دولت و حکومت ایران در پیدایش و آموزش این سیستم ایدئولوژیکی فارس مرکز و آریادوست، گسترش و آموزش این ضدارزشها و اجرای مصرانه این سیاستها توسط دستگاههای دولتی و در راس آن وزارت کشور، صدا و سیما و آموزش و پرورش است که باعث ایجاد رنجش فراوان و کاشتن تخم تجزیه قومی مردمی که هزارارن سال است با آرامش و دوستی به همزیستی مشغول بوده اند است.

به نظر نمیرسد که دستگاهی مانند صدا و سیما با امید و پند و اندرز، اعتراضات کتبی و یا مستقیم شهروندان در رویه ناشایست، تفرقه انگیز و توهین کننده خویش تجدید نظر نماید. علاوه بر آن شهروندان ترک و نخبگان نشان تاکنون و به کرات به تمام این روشها متوسل شده، اما کوچکترین نتیجه مثبتی حاصل نشده است. (هم چنانچه علیرغم اینگونه اقدامات مردم، دولت با تمام نهادهایش از صدر تا ذیل در امر اجرای مواد معوقه قانون اساسی در باره آموزش زبانهای ملی نیز تاکنون هیچگونه اقدامی نکرده است).

بنابراین در این میان لزوم بازنگری و تصحیح سیاستهای کلان قومی دولت، و نیز قصور جدی دولت در اجرای وظایف خود در این رابطه مطرح است. از سیاستهای کلان قومی دولت که محتاج به دگرگونی اساسی اند، نگرستن به مطالبه حقوق قومی و شهروندی و حقوق برابر با قوم فارس به شکل توطئه خارجی و یا تجزیه قومی و مسئله ای امنیتی است. نیز این نگرش که ادامه حاکمیت انحصاری، قومیت گرایی فارسی و یکسان سازی اقوام

ایرانی غیرفارس را مترادف با وحدت ملی و میهن دوستی و دولتمردی می‌شمارد میبایست از بنیان ترک و طرد شود.

وظیفه دولت بسنده کردن به پند و اندرز و امید، محول نمودن وظایف خویش به شهروندان، نظاره اعمال تبعیض بین گروه‌های قومی و نابودی زبانها و فرهنگهای رنگارنگ کشور، سکوت در مقابل پایمال شدن حقوق اقوام غیرفارس ایرانی و یا غرق شدن بیش از حد لزوم به تفکرات جناحی و حزبی نبوده، اقدام موثر در حفظ حقوق اقوام ایرانی غیر فارس، تدوین قوانین و مقررات صریح و جلوگیری کننده، ایجاد ضمانتهای اجرایی، تحقیق و تفحص و کنترل و حساب پرسی مداوم از نهادهای دولتی است که آگاهانه و یا ناآگاهانه عامل اجرای اینگونه بیفرهنگیهای نسنجیده و نقشه های استعمارگران نباشند. به نظر نمی‌رسد که دولت (هر آنگاه که بخواهد) کوچکترین مشکلی در اعمال کنترل بر شهروندان و نهادهایی تماما تحت کنترل مانند صدا و سیما و وزارت آموزش و پرورش داشته باشد.

سؤال سوم دانشجویان:

امامت فردی که نسبت به زبان ترکی بسیار متعصب است به نحوی که منافی با اتحاد و وحدت است چگونه است؟

جواب نهاد نمایندگی:

تعصب همان گونه که از اسم آن پیداست حمایت ناحق و بی جا از خود و یا متعلقین به خود می باشد ولی علاقه به فرهنگ و ملت و زبان خود در صورتی که اصطکاک با آرمان های دینی نداشته و یا موجب اختلاف و چند دستگی نشود بلا مانع است.

آنچه که مذموم و ناپسند است احساس برتری کردن و یا نژاد پرستی و ملی گرایی است که استعمار با هیاهوی پان ترکیسم، پان ایرانیسم، پان عربیسم و ... در صدد تفرقه بین ملت اسلام است . بنابراین علاقه داشتن به زبان خاصی بدون قصد ایجاد تفرقه و فتنه مضر به عدالت شخصی نیست هر چند بهتر است از این گونه امور اجتناب شود.

توضیحات:

آموزش اجباری زبان قوم فارس به تمام ایرانیان به قیمت محروم نمودن دیگر اقوام از تعلیم و تعلم به زبانهای ملی خویش و نابودی آنها، همچنین حمایت های همه جانبه دولت و حکومت ایران از گسترش و جایگزین ساختن زبان و فرهنگ فارسی در ایران و در خارج آنهم با ثروت ملت های غیرفارس ایران مصداق بارز حمایت بیجا، برتر شمردن قوم فارس، ملیگرایی، تجزیه قومی و ایجاد چند دستگی در میان مردم ایران است. یعنی این احساسات برتری قومی و نژادی بیش از آنکه در سطح فردی و جامعه و یا توطئه دول خارجی حضور داشته و مجسم شده باشند، در سیاست های کلان خود دولت و حکومت ایران حضور دارند.

اگر میبایست که از علاقه به زبان خاصی بویژه به شکل حمایت ناحق و بیجا و احساس برتری کردن و اختلاف انگیزانه اجتناب شود، در آن صورت مشکل اساسی نه حادثه ای انفرادی بلکه در تعصب، حمایت بیجا و اعطاء برتری به زبان فارسی ای خواهد بود که از سوی دولت اعمال میشود. به نظر میرسد این سیاستها و اجرا آنها از سوی دولت منافی با اتحاد و وحدت و عدالت باشد.

افزون بر آن برتری خواهی قومی-ملی در میان ایرانیان غیرفارس پدیده ای مشاهده نشده است. فی المثل ترکها با آنکه اکثریت نسبی جمعیت ایران را تشکیل میدهند، نه تنها فارسها را از آموزش زبان و ادبیات و فرهنگ فارسی محروم ننموده و زبان ترکی را به عنوان رمز هویت ایرانی بودن عرضه نکرده اند، بلکه حتی خواستار آموزش اجباری زبان ترکی به فارسها و دیگران نیز نشده اند. اعلام زبان فارسی به عنوان رمز هویت ملی تمام ایرانیان، آموزش اجباری آن به گروه های غیر فارس و علاوه بر آن محروم نمودن این گروهها از تحصیل و تعلم به زبانهای ملی خویش که مصداق بارز برتری خواهی قومی اند البته که از اقدامات ترکهای ایران نیستند. مخاطب برتری طلبی قومی در ایران بیشک عنصر قومی حاکم میباید باشد.

البته هشیار بودن در مورد خطرات بالقوه و محتمل پان ترکیسم، پان عربیسم و پان کردیسم لازم است اما مسئله اصلی، موجود و بالفعل ایران نه اینها بلکه پان ایرانیسم آغاز شده در زمان رژیم پهلوی (که امروزه نیز باکمال تاسف در حال اجراست) و جریان نابودسازی زبان و فرهنگهای مردم غیرفارس ایران میباشد. علاوه بر آن در تاریخ ایران معاصر بسیار بیشتر و پیشتر از آنکه پان ترکیسم و پان عربیسم و غیره ابزار توطئه ها و مقاصد استعمارگران باشد پان ایرانیسم و قومیت گرایی فارس این نقش را بازی نموده است. اساسا نمیبایست این واقعیت بسیار مهم تاریخی از یاد برود که رژیم پهلوی و سیاست زبانی-قومی نژادپرستانه فعلی که بازمانده آن است، خود زائیده استعمار و هیاهوی پان ایرانیسم است.

تعصب دولت ایران نسبت به زبان و قوم فارس، و ایجاد تناظر نادرست بین تشیع و قومیت گرایی فارسی، علاوه بر داخل کشور، در خارج و در مقیاس اسلامی نیز منافی وحدت و اتحاد است. جانبداری و یکی شدن روز افزون دولت اسلامی ایران با قوم فارس و سیاست ترک ستیزانه آن، آنچنان آشکار است که امروزه نه تنها باعث دلسردی

بسیاری از ترک‌های شیعه آذربایجان، عراق و ترکیه از دولت ایران شده، بلکه سبب رویگردانی گروه گروه آنها از مذهب شیعه نیز گردیده است. علاوه بر این، آنچه که بر زبان و فرهنگ ترک‌ها در ایران می‌رود (که عامل عمده گسترش تشیع و پیدایش قوم شیعه مذهب فعلی فارس نیز می‌باشند) و تصور وجود نیت و تلاشی برای یکسان نمودن مذهب تشیع و قومیت‌گرایی شعوبی فارسی را در تمام منطقه و ایران بوجود آورده است، پوئتی بسیار منفی در کارنامه هر دولت شیعی شمرده خواهد شد.

سؤال چهارم دانشجویان:

چه ارتباطی بین تورانی‌ها و ترک‌ها وجود دارد؟

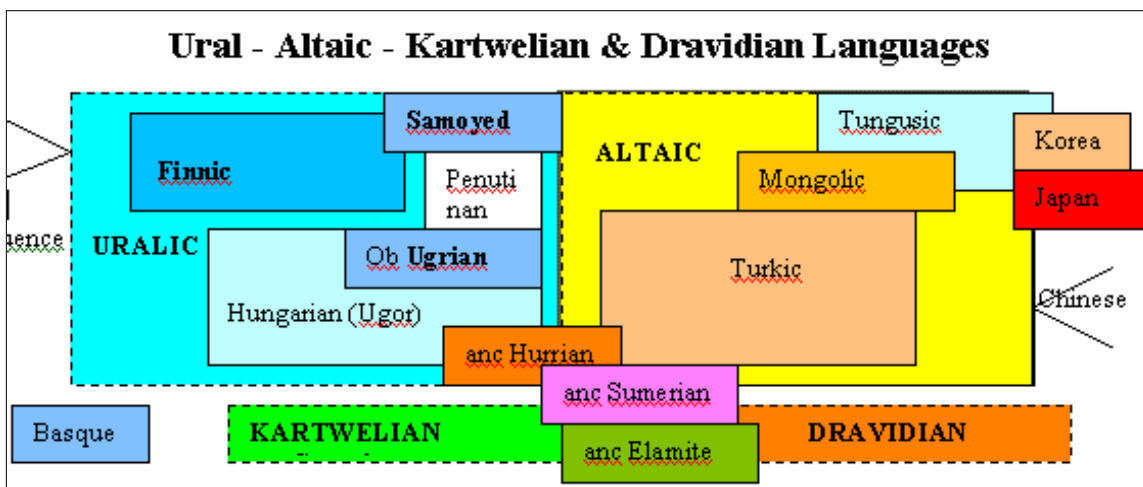
جواب نهاد نمایندگی:

توران کلیه مردم اورال آلتایی که در آسیای مرکزی و در شمال کشور ایران سکونت دارند. مجار و ترک از این قومند (لغتنامه دهخدا).

توضیحات:

امروزه نه در تقسیم بندی زبانی-فرهنگی-دینی و نه تصنیف بافت تباری-نژادی-قومی انسانها گروه افسانه ای و به لحاظ علمی مبهم تورانی، نیز ایرانی جایی ندارد. بدون ورود بیشتر به مضمون جواب به ذکر این نکته اکتفا میشود که متاسفانه با نبود مراکز ترکیشناسی در ایران طبیعی است برای یافت پاسخ سوالاتی از این دست ناچارا به منابعی مانند لغتنامه شادروان دهخدا که در مورد زبان و فرهنگ، تاریخ و موضوعات دیگر مربوط به ترک‌ها دارای کمبودهای اساسی و اشتباهات فاحش است رجوع شود.(علی رغم آنکه دهخدا خود اصلا از ترک‌های قزوین آذربایجان است) برای تدقیق علمی، همه جانبه و بیطرفانه مسائلی از قبیل آنچه در سوال فوق مطرح شده است، وجود مراکز آکادمیک و تخصصی زبان، ادبیات، تاریخ و فرهنگ ترکی و ترکی شناسی ضروری است.

در زیر من باب تقریب ذهن نموداری که رابطه برخی از زبانهای اورال (شامل مجاری)-آلتایی(شامل ترکی)- دراویدی (شامل براهویی) و غیره را نشان میدهد آورده شده است.



رابطه زبانهای اورال (مجارى و غيره)، آلتای (ترکی و غيره)، کارتولی، دراویدی و برخی زبانهای دیگر (باسک، سومری، ایلامی، کره ای، ژاپنی و چینی

سؤال پنجم دانشجویان:

آیا منشا دین زرتشت آذربایجان بوده است؟

جواب:

برخی زردشت را از ((آذربایجان)) و برخی از ((ری)) و غالباً از شمال شرق ایران باستان می دانند. خلاصه در این زمینه نظر قطعی وجود ندارد.

توضیحات:

هرچند در این زمینه نظر قطعی وجود ندارد، برخی زردشت را از نواحی غرب آذربایجان و عده ای از ری و بسیاری وی را از آسیای میانه - شمال افغانستان امروزی می دانند.

در برخی منابع تاریخی ری (راگا) شرقیترین حد آذربایجان شمرده شده است. (علاوه بر آن که برخی معتقد به وجود ری دومی در ناحیه غربی آذربایجان اند). امروز نیز ناحیه به هم پیوسته محل سکونت ترکهای شمال غرب ایران به تقریب از ورامین - ری آغاز میشود و بدین معنی زردشت چه از پیرامون اورمیه و چه از ناحیه ری باشد میتواند به عنوان فردی آذربایجانی پذیرفته شود، گواينکه باور غالب، منسوبیت وی به ناحیه ای در آسیای میانه در شمال شرق ایران است.

سؤال دانشجویان:

آیا ازدواج با قومیت های دیگر در زندگی زناشویی مشکل ساز است؟

جواب نهاد نمایندگی:

همان طور که شما به آن اشاره کرده اید آداب و رسوم و تناسب و نزدیکی فرهنگی دو خانواده عروس و داماد به یکدیگر نقش مهمی در شکل گیری و استحکام خانواده دارد ولی این عامل تنها عامل موفقیت در امر ازدواج نمی باشد چه بسیارند افرادی که از دو ملیت و دو کشور متفاوت اند و با یکدیگر ازدواج کرده و زندگی شاد و آرامی دارند و آنچه در انتخاب و گزینش اولیه برای ازدواج دختر و پسر مهم است مجموعه ای از تناسب هاست تناسب دو خانواده و عروس و داماد از نظر اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، مذهبی و میزان تقید به شرع و تناسب سنی و ویژگیهای ظاهری است که در آن صورت از تفاهم بیشتری برخوردار خواهند بود و در نتیجه آرامش بیشتری در چنین خانواده ای مشاهده خواهد شد و در صورت عدم وجود تناسب در بعضی از موارد فوق ممکن است بتوان بخاطر وجود نقاط قوت دیگر، از آن چشم پوشی کرد و با گفت و گو کردن و تفاهم سلیقه ها را به یکدیگر نزدیک کرد و یا از بعضی انتظارات چشم پوشی کرد و قبل از ازدواج دختر و پسر از چنین اختلافات فرهنگی و اجتماعی و سلايق و علايق که بين هر دو خانواده ای ممکن است یافت شود آگاهی یافته به افکار و آداب و رسوم یکدیگر احترام گذاشته و آنها را رعایت کنند بنابراین گفتگوهای قبل از ازدواج جهات آشنایی با ویژگیهای اخلاقی، خانوادگی، فرهنگی و ... یکدیگر نقش مهمی در ایجاد تفاهم و در نتیجه آرامش خانوادگی دارد و اگر از تناسب و نزدیکی بیشتری در زمینه های یاد شده برخوردار باشند در ثبات و استحکام و تفاهم بیشتری در طی زندگی مشترک بهره مند خواهند شد. اما پس از ازدواج صرف چنین خصوصیتی نباید باعث پاشیده شدن پیوند خانوادگی یک زوج شود زیرا می توان با گفت و گو و تفاهم پیدا کردن و احترام به نظرات و آداب و رسوم فرهنگی متقابل و کوتاه آمدن یک طرف پیوند ایجاد شده را تقویت کرد و از فروپاشی آن

جلوگیری کرد. بنابراین با حفظ شیون دینی و ارزشهای اخلاقی و پای بندی به آنها در چگونگی روابط مرد و زن و نظایر آن که گاهی مورد اختلاف دو قوم و ملیت می شود به راحتی از این گونه موارد گذر کرد و به تفاهم رسید و جلوی نقش مخرب آن را گرفت.

سؤال دانشجویان:

از چه راهی می شود تعصبات قومی را از افراد خانواده ام بیرون کنم؟

جواب نهاد نمایندگی:

این کار، تنها با روشنگری و تفهیم ارزش انسان و انسانیت میسر است. بهترین راه، استفاده از آیات قرآن و احادیث و اشعار در این زمینه است.

سؤال دانشجویان:

برای از بین بردن اختلافات قومی و طایفه ای در بعضی از مناطق که عواقب شومی در پی دارد چه راههایی را پیشنهاد می نمایید؟

جواب نهاد نمایندگی:

وجود تعصبات و اختلافات ذکر شده در نامه جناب عالی علل و زمینه های متعدد فرهنگی تاریخی و ... داشته و در جامعه مورد نظر نهادینه شده و به صورت فرهنگ عام درآمده است طبیعی است مبارزه با چنین پدیده شومی تا حدودی دشوار و نیازمند زمانی طولانی و در عین حال بسیار ضروری و حیاتی است بهترین شیوه تغییر این کیفیت خط دهی از مجاری فرهنگی و نفوذ در عناصر فرهنگ پذیر است.

به نظر می رسد توجه به اینکه جنابعالی در آینده به وظیفه مقدس دبیری اشتغال خواهید یافت با موقعیت بسیار ارزنده ای در جهت تصحیح و تنویر افکار نوجوانان آن خطه خواهید یافت و می توانید نقش موثری در دگرگون سازی تدریجی وضعیت فوق در نسل جوان داشته باشید همچنین مشارکت و همکاری در دیگر کانونهای فعالیت فرهنگی و دینی مانند مساجد و ... زمینه خوبی برای افکار صحیح اسلامی در این زمینه است.

سؤال دانشجویان:

معیارهای نژادی، زبانی و منطقه ای چه نقشی در ازدواج دارند؟

جواب نهاد نمایندگی:

آنچه در انتخاب همسر از نظر دین مقدس اسلام بیشتر مورد توجه است، مساله دین و اخلاق و اصالت خانوادگی است و زبان و نژاد نقش اساسی را ندارد. از این رو اگر زنی دارای دین، ایمان، اخلاق و اصالت خانوادگی بود - اما زبان او با زبان مرد تفاوت داشت و یا نژادش متفاوت بود - ازدواج با او اشکال ندارد. چنان که در صدر اسلام ((جویری)) - که مردی سیاه چهره و از نژاد غیرعرب بود - چون از ایمان و اخلاق عالی اسلامی برخوردار بود، به دستور پیامبر اسلام با دلغا - که دختری از نژاد عرب و از زیبایی فوق العاده ای برخوردار بود - ازدواج کرد. البته اگر هر فردی علاوه بر ویژگی های یاد شده سعی کند با هم زبان و هم وطن خود ازدواج کند چه بسا از جهاتی مناسب تر باشد، زیرا تفاوت های نژادی و قومی با خود یکسری تفاوت های فرهنگی نیز به همراه دارد ولی در صورتی که این تفاوت ها تحت الشعاع فرهنگ اصیل دینی باشد و زمینه تفاهم را از بین نبرد اشکالی در ازدواج نیست. نکته دیگری که در ازدواج با غیر هم نژاد وجود دارد، مسایل ژنتیکی و ساختارهای بیولوژیکی و زیستی افراد است که در این باره نمی توان نظر کلی داد و به طور موردی باید با متخصصان مشورت کرد.

سؤال دانشجویان:

دبیر دبیرستان یکی از شهرهای کردستان هستم، بنده شیعه و فارسم و با آنها برخورد خوبی

دارم ولی آنها نه. ماندن در آن منطقه برایم مشکل است، چه کنم؟

جواب نهاد نمایندگی:

با استعانت از خداوند متعال باید در برخورد با خواهران و برادران آن مناطق کمال دقت و هوشیاری را به خرج دهید. از هرگونه رفتار حساسیت برانگیز یا اموری که موجب سو ظن به شما شود و یا احساس کنند قصد شیعه کردن آنها را دارید یا در پی تحمیل ارزش های مذهبی فردی هستید بپرهیزید. البته دفاع منطقی و استدلالی در برابر شبهات که احيانا توسط برخی مطرح می شود با شیوه های مسالمت آمیز مانعی ندارد. در صورتی که توان ادامه فعالیت در آن منطقه را نداشتید در صورت امکان تقاضای انتقال نمایید. البته یادآور می شود که این مساله در صورت نتوانستن تحمل مشکلات است و گرنه بهتر است به خدمات خود ادامه دهید.

سؤال دانشجویان:

چرا عرب ها، خلیج فارس را متعلق به خود می دانند و آن را خلیج عربی می نامند آیا این موضوع صحت دارد؟

جواب نهاد نمایندگی:

((خلیج فارس)) طبق اسناد معتبر از آبراه های استراتژیک بین المللی است که از قرن ها پیش چنین نامی داشته و هیچ گاه ((خلیج)) یا ((خلیج عربی)) نامیده نمی شده ولی ادعاهای برخی از کشورهای عربی که با تحریکات آمریکا صورت می گیرد برای ایجاد تشنج در منطقه و مقابله با انقلاب ایران است.